

# اَكْبَرُ الْمَعْرِفَاتِ

ماه مرداد ۱۳۰۵

## ( علوم و اوقاف )

بمناسبت وزارت آقای تدین

قبل از ادای مقصود . بیان این مسئله لازم است که اطلاق معارف بر علوم غلط و از قبیل ( مرداد امرداد و خرداد خورداد ) ساختن بلکه بدتر از آنست .

زیرا معرفت اولاً بمعنی علم استعمال نشده و ثانیاً جمع آن بر معارف بسته نشده و اتفاق ائمه لغة معارف جمع معرف بر وزن مشرب است و دو معنی دارد چنانچه گفته میشود ( امرأة حسنة المعارف ای الوجه وما یظهر منها ) و نیز گفته میشود ( هو من المعارف ای من المعروفین )

همین سبب از وزرای لغت شناس پیشینه از قبیل علیقلی میرزای اغتضاد السلطنه و امثال او دیده و شنیده نشده است که بجای علوم . معارف استعمال کرده باشند . اگر یک عرب با عربی دان در خارج ایران کلمه ( وزارت معارف ) را بشنود متحیر میبند که آیا مقصود چیست و این چه وزارتخانه است در ایران که در عالم نظیر و مانند ندارد .

بنابر این آقای تدین که از علوم عربیه و ادبیه و لغت بهره مند و بتصحیح لغات معتقدند پس از تدقیق و تصدیق بموقع است اگر این غلط فاحش را که از بی اطلاعی استعمال کنندگان حکایت میکنند امر بتصحیح فرمایند

## \* علوم \*

بدیهی است و مستغنی از برهان که سعادت هر ملك و ملت منوط بتوسعه و ترقی علوم و صنایع است زیرا ملت دانشمند است و بس که صلاح را از فساد امتیاز داده و کیل خوب و مجلس ملی نیکو پیدا کرده و بدین سرمایه عدالت و امنیت و آزادی بمعنای حقیقی و ثروت و شرافت و نیکنای و همه چیز را انجام می‌کند. برعکس ملت جاهل از وکیل و مجلس و در نتیجه از همه چیز دیگر محروم میماند و چنین ملتی در حقیقت قابل آزادی و شایسته نعمت مشروطیت نیست و چنانچه طفل صغیر بقیم شرعی محتاج است و دیوانه بولی این ملت هم اگر خوشبخت است شایان استبداد داخلی و گرنه دچار و مستحق اسارت دشمنان خارجی خواهد بود.

(ایران هر چه ندارد از نداشتن علوم و صنایع است و هر چه بیابد از برکت علوم و صنایع خواهد یافت)

برای پیدایش و ایجاد علوم و صنایع بمقیده نگارنده سه مقدمه واجب است. اول تغییر نظامنامه (پروگرام) دوم تهیه و تعیین معلم سوم تعمیم و بسط تعلیم و تربیت.

اما نظامنامه: طبیب اگر مداوای اول حال مریض را بدر دید نسخه را عوض میکند. ایران مریض هم مداوای نخست حالتش بدتر شده زیرا با این نظامنامه می بینیم که در عوض ایجاد کار و صنعت و علم طبقات صنعتگر و کارگر پیشینه ما هم بتدریج مبدل به بیکاره میشوند و اگر تمام افراد این مملکت از مدارس کنونی فارغ الذمه صیل بشوند يك ملت و جامعه عجیب و غریبی یافت خواهد شد که همه برای وزارت و وکالت و خدمت ادارات آنها در ایران نه در جای دیگر مهیا و مستعدند بدلیل يك زبان ناقص خارجی

و دانستن چاره عمل اصلی بیفایده اگر بدانند و در تمام جامعه دیگر يك دهقان و يك سوزن گر بايك نویسنده و يك عالم وجود نخواهد داشت .

پس قبل از اینکه کار ایران بدین پایه بکشد باید نسخه را عوض و مریض را بطرز دیگر مداوا کرد .

عجب این است که در محصلین دیپلمه اروپائی ما هم ( با اینکه از مدارس اروپا آنهمه صنعتگران و علمای بزرگ که اوضاع عالم بشریت را تغییر داده بیرون میآیند ) یکنفر خیاط یا یکنفر باغلم که بتوان در ردیف علمای جدید عالم او را بحساب آورد تا کنون دیده نشده و هر چه می بینیم دکتر اندروو است در علم حقوق و سیاست و بس !!

نظامنامه مدارس و علوم آنت که در آلمان و انگلیس و سایر مملکت متمدنه موجود است و یکنفر فارغ التحصیل آن مدارس در هر جای عالم باشد بقوه علم و صنعت قادر بر ادامه بهترین زندگانی باشراف است و هرگز محتاج خدمت دولت و منتظر و کالت و وزارت نیست و هیچگاه بواسطه فقر و فلاکت و اجبار بخدمت اجانب و جاسوسی دشمن تن در نمیدهد .

اما معلم . علت الملک ترقی معکوس مدارس ما و تنزل تعلیم و تربیت ( بجدی که يك نفر فارغ التحصیل بیست سال قبل دارالفنون با فارغ التحصیل امروزی قابل مقایسه نیست و فارغ التحصیل کنونی اگر از خارج بتکمیل تحصیلات نیرداخته باشد سواد فارسی هم ندارد تا چه رسد بعلوم و صنایع دیگر ) همانا مراعات نشدن مقام معلم است زیرا معلم قابل طبقه تهیه برای بستگی بفلان وزیر یا خدمت بفلان او کیل معلم هندسه و جغرافی شده و معلم هندسه و جغرافی بعلت انکال بمقام علم و هنر با بیکاره مانده یا بحکم استیصال معلم طبقه تهیه و ابتدائی شده است .

برای رفع این علت امتحان معلمین بطریق صحیح لازم است تا هر

معلمی بکار شایان خویش پردازد و تعلیم و مدرسه چنانچه هست مضیع اوقات و مخرب اخلاق نکرده.

اما توسعه و بسط تعلیم باید تعلیم و تربیت در تمام مملکت بالتساوی و با مراعات حال طبقات اجباری کرده و در تمام ایالات و ولایات و قراء و قصبات مدارس مفتوح شود با سرمایه اوقاف.

## اوقاف

آنچه در باب تحصیل اجباری و تعمیم تعلیم نکاشتیم با اوضاع کنونی و فقر و فاقه ملک و ملت بدون احیای موقوفات آرزو است و این آرزو روزی بر میاید که دولت و وظیفه حتمی و طبیعی و شرعی خود را در باب موقوفات هنگفت این مملکت بموقع اجرا گذارد.

موقوفات ایران اگر مستقیم و صحیح در دست دولت اداره شود عایدات آن چندین برابر مالیات فعلی مملکت است و دولت را قادر خواهد ساخت که علاوه بر تعمیم مدارس و اجبار تعلیم در تمام مملکت هزاران مریضخانه و دارالرضاعه و دارالایتام و دارالمساکین ایجاد کند. و علاوه با همین سرمایه خطوط آهن و کارخانجات بزرگ میتواند احداث کرده ملک و ملت را از ربه احتیاج خارجی و زنجیر اسارت اجانب آزاد سازد.

وزارت علوم با همین سرمایه اوقاف میتواند بقایای کتب قدیمه ایرانی را خریداری و بیک کتابخانه بزرگ تأسیس و کتب علمیه و ادبیه قدیمه فارسی را مانند ملت مصر بطبع و انتشار پردازد و جایزه های علمی و صنعتی مانند سایر ملل برای مسابقه های علمی و صنعتی برقرار کند.

ملت دانشمند مصر از برك اوقاف جامع الازهر امروز باین مقام علم و هنر رسیده است که همواره ده دوازده هزار طلبه و محصل در تمام رشته

های علوم و فنون قدیمه و اجدیده مشغول تحصیلند و نویسندگان بزرگ و علمای شامخ مقام و طبای ماهر مصری همه پروردگان مهداوقاف این مدرسه بزرگ هصدساله اند.

مسلم در ایران هم از هصد سال قبل تا کنون هزار مدرسه مثل الازهر با همان مقدار موقوفات تأسیس شده ولی بلای موقوفه خواری که خاص مملکت ایرانست بکلی آن مدارس و مساجد و جوامع و موقوفات را بفاصله کم ازین برده است. برای اثبات مدعا تنها مختصری از وقایع موقوفات شهر اصفهان را چون بهتر از همه جا اطلاع داریم بنظر قارئین عظام میرسانیم.

یکی از مساجد بزرگ و پناهای تاریخی ایران بلکه دنیا مسجد جامع بزرگ اصفهان است. آنچه از تاریخ این بنا و شهرت السنه در اصفهان بدست میاید این است که مؤسس بک قسمت از این بنای با عظمت **اکبری الکفله صاحب بن عباد است** و هنوز بک قسمت عمده مسجد که عبارت از **بک صفة عالی** و **گنبد** آن نظیر است بنام (صفة صاحب) معروف و مشهور است.

در این مقام مناسب است که مختصری از آنچه (مفضل بن سعد بن الحسین الهافرخی) در کتاب محاسن اصفهان که تقریباً از تالیقات هصدسال قبل است و عبرتی نگاشته برای آگاهی و عبرت خوانندگان نقل کنیم.

در وصف دو جامع کبیر که احتمال قوی بلکه یقین میرود که یکی از آنها همین مسجد جامع امروزی است چنین مینکارد  
(وهو منذ اتخذ یطن بالتهلیل والتحصید و یمن بالتسییح والتمجید لا ینظم لاحدی الصلوة الخمس اقل من خمسة آلاف رجل. و تحت کل اسطوانة شیخ مستند یشابه جماعه من اهلها بوظیفه درس. اوریاضة

نفس. تزين بمناظرة الفقهاء ومطارحة العلماء. ومجادلة المتكلمين ومناصحة  
الواعظين ومحاورات المتصوفين وإشارات العارفين. وملازمة المعتكفين  
إلى ما يتصل به وينضم إليه من خاتكاهات قوراء مرتفعه. وخانات عامرة  
متسعه. قد وقفت لابناء السبيل من الغرباء والمساكين والفقراء. وبجذائه  
دار الكتب وحجرها وخزانتها اللواتي قد بناهن الاستاد الرئيس ابو-  
العباس احمد الضبي ونضد فيها من الكتب عيوننا وخلصها من العلوم فنونا  
قد تخيرها على مر الايام فضلاء سالف الازمنه وادباء غابر الاونه ويشتمل  
فهرستها على ثلث مجلدات كبيرة من المصنفات في اسرار التفاسير و  
غرائب الاحاديث ومن المؤلفات في النحو واللغة والتصريف والابنية  
ومن المدونات من غرر الاشعار وعيون الاخبار ومن الملتقطات من  
سنن الانبياء والخلفاء وسير الملوك والامراء ومن المجموعات من علوم  
الاوليل من المنطقيات والرياضيات والطبيعات والاهليات الى غير-  
ذلك مما يفتقر اليه طالب الفضل والمميز بين العلم والجهل .

در باب جامع صغير كه شايد همين صفة صاحب است كه در مسجد  
جامع كنوني هنوز بر قرار است نيز چنين مينكارد

والجامع الحديث الصغير المشهور بجورجير الذي بناه الصاحب  
كافي الكفات وقد اوتى فضلا على الجامع الاكبر في صلابة الاطيان و  
ارتفاع المكان واستحكام البنيان . والمنارة التي اجمع المهندسون على  
انه لم يبن في العالم ارضق منها قداوا تم مداو ادق عملا واحكم تفصيلا وجملا

قد تائق في ابداعها الصانع وتنوق . ولطف في بنائها ودقق . اتخذها  
من اللبن والطين في قرار مكين . قيدت قاعدتها من الارض بقفيز . و  
شيدت قائمتها الى حرز حرز ارتفاعها مائة ذراع ووسطها باع في باع . و  
في كل ما عدته وممرته من المساجد والخانكاهات ودارالكتب للفقهاء  
مدارس وللادباء مجالس وللشعراء مواسم ومأنس وللمتصوفة والفقراء  
محابس .

چنين منارة يا اين عظمت كه شرح مي دهد در صفة صاحب امروزي  
موجود نيست و شايد خراب شده يا آنكه جامع صاحب غير از اين صفة صاحب  
است و بلكي آن جامع امروز از بين رفته است  
اين جوامع تقريباً در عصر جامع از هر مصر بلكه صدسال پيشتر  
بنا شده و مطابق شرح فوق از هيچ جهت كمتر از جامع مصر نبوده بلكه  
بمراتب بالا تر بوده اند . كتب خانهائي كه شرح مينهد و فهرست يكي  
از آنها سه جلد كتاب عظيم بوده و آنهمه خانقاه و خانه هاي اطراف  
جامع براي ابناء سبيل و آنهمه موقوفات آياچه شد و كجارت كه اکنون  
آري از آنها باقي نيست !!!

اين آثار قدیمة اصفهانست از اينها گذشته و رجوع ميكنيم بمسجد  
شاه اصفهان و مدرسه چهار باغ جديد كه در زمان شاه عباس صفوی و  
شاه سلطان حسين ساخته شده با هزارها مسجد و مدرسه ديگر و هر يك  
با چندان موقوفات كه جمعاً مسلم صد برابر موقوفات الازهر ميشود . آيا  
از اين ها آري باقي مانده است ؟ نه . برويد وبه ببينيد مسجد شاه اصفهان را  
با آنهمه عظمت تاريخي كه شايد اول بنای مشرق زمين است بچه حال خرابي  
و انهدام افتاده و چگونه هر صفة او از شكافها دهن باز کرده و بر ابناء

ملك و ملت مخصوصاً اهل اصفهان خاصه موقوفه خواران لعنت میفرستد ! همان تاریخ که شاه عباس مسجد شاه اصفهان را بنا کرده يك کلیسا هم در جلفای اصفهان برای آرامنه با موقوفات کمی بنا کرده . آن کلیسا در تحت حفاظت خلفای آرامنه با تمام موقوفات آباد و برقرار و همه ساله بر تعمیرات و عمارات کلیسا افزوده میشود و نیز از زیادی موقوفات اکنون چندین مدرسه در جلفا دایر است که تمام اطفال ذکور و آنات ارمنی بالغ بر چهار هزار نفر در آن مدارس مشغول تحصیلند

اما از موقوفات مسجد شاه ۱۱ اکنون . . . . . آری باقی نمانده و بنوبت هر یکی پس از دیگری قسمت قسمت ثلث و تصاحب کرده بد .

در این مقام پس از مقایسه روزگار قدیم و دوره فضل و علم و ادب و آید اصفهان با دوران جهل و نادانی و خرابی امروزی هر چه بی اختیار بنکاریم جای خرده گیری نیست و امید وارم قارئین این مقاله از اصفهان و سایر بلاد نیز پس از امان نظر در عبارات و بنکار ثلث ( مافروخی ) در این بی اختیاری بانکارنده شرکت جسته بنام احیای موقوفات نهضت و قیام کنند شاید دوره سعادت و خوشبختی و علم و فضل در ایران رجعت کند و این بساط جهل و نادانی و رشوه و مرأ و خرابی و سر افکندگی در هم نوردیده آید

آنهمه اوقاف اصفهان و سایر بلاد که باید بمصرف حوائج عمومی رسیده و از حیث علم و فضل و صنعت امروز ما را بر تمام عالم برتری داده باشد آیا میدانید چه شده و کجارتنه است !

در اصفهان يك سلسله شریعتمدارهای دیمی و حجة الاسلام های ای که از تمام علائم علوم ادبیه و شرع و حکمت غیر از ریش و عمامه



چیزی ندارند امروز تمام آن موقوفات را تملك و تصاحب کرده و هر يك مانند يك نفر ملیونز امریکائی بعیش و عشرت و شهوت رانی مشغولند و هرگاه موقع بدست آرند بوسیله احتکار و فروش گندم خرواری سیصد تومان چنانچه در احوطی هشت سال گذشته دیده شد تمام اصفهان را بقبرستان فرستاده خزینه خود را قارون وار از زرو سیم بر میکنند

در سفر اخیر چهار ماه قبل باصفهان روزی از یل چارباغ عبور میکردم ناگاه چندین کالسکه قدمی آهنین چرخ بر از زن بایک وضع عجیب در حرکت دیدم مصاحب من بی اختیار گفت آهایمائی آنها کیستند گفتم نه گفت از عقب نگاه کن نگاه کردم و یک مرد هفتاد بلکه هشتاد ساله را دیدم که آنهم در يك کالسکه از همان نوع حرکت میکند مصاحب من گفت این شخص هشتاد ساله از مال وقف ملیونز با اینکه سن او مقتضی شهوت رانی نیست همه روزه با چندین زن بطرف باغ و قصرهای نوساز که از خراب کردن قصور و عمارات تاریخی سلاطین صفویه ساخته حرکت میکند و در آنجاها . . . . . ؟

#### فاعتبروا یا اولی الابصار

در زمان جنگ بین المللی که املاک و علاقه بعضی اشخاص در اصفهان بتصرف سپاه تزار روس در آمد و روسها بر اوضاع خرابی بناهای عظیم تاریخی صفویه رقت کرده و از عایدات بعضی املاک (که در حقیقت بهمین مصرف باید برسد و روزی خواهد رسید) نصف خرابیهای هنگفت مدرسه چارباغ اصفهانرا تعمیر کردند

ولی پس از مراجعت ملاکین باصفهان و رفع مداخله سپاهیان روس تعمیر مدرسه متروک گردید و چوب بست کنبد و منجنیق ها و سایر وسایل تعمیر که روسها فراهم کرده بودند هنوز بهمان حالت باقی است و بزبان بی زبانی از هر بیننده استرحام کرده و لعنت بر روان دشمنان وقف

و مناعین خیر عالم نمایان میفرستند!

یکی از قراء موقوفه مدرسه چارباغ که ناچند سال قبل هم در تصرف وقف بود قریه ( مرغ و ملك ) واقعه در بلوك چار محال بختیاری است این قریه تقریباً سالی بیست بلکه سی هزار تومان عایدات مسلم دارد ولی یکی دونفر از سرداران بختیاری این قریه وقف را مانند سایر قراء و املاك مردم دیگر تصرف کرده و بهیچوجه من الوجوه دست از آن بر نمی دارند

سال گذشته از طرف اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی او امر ا کیده صادر گردید که بتصرف وقف داده شود رئیس مالیه کنونی اصفهان آقای معین السلطنه هم در این باب بر حسب ماموریت خویش زحمات بسیار کشید و مصمم بود که عایدات این سال را بمصرف بقیه تعمیرات روسها رسانیده و این لکه ننگ و خجالت را از دامن اصفهان پاک کند ولی با آن همه او امر شاهانه متمردین هنوز ملك وقف را رها نکرده اند!

در خاتمه برای عطف نظر و جلب توجه زمامداران کنونی بازم عرضه میدارم

اگر میخواهید تحصیل در ایران اجباری گردد و مدارس قدیمه و جدیده بکار افتد و در هر شهر ایران يك جامعه الازهر مصر پدیدار شود و هزارها مریضخانه و دارالایتم و بیت المساکین برقرار گردد و و و :

فقط باید با يك جد و عزم شاهانه و نادری باحیای موقوفات پرداخته نام نيك خود را زین دفتر تاریخ سعادت ایران قرار دهید نادرشاه افشار موقوفات را بنام خالصه تصرف کرد اما در این دوره انکار لازم نیست بلکه مطابق ممتون وقف نامچه ها و برطبق قوانین اسلام اگر آنچه از تصرف وقف بیرون رفته احیاسازید و در دخل و خرج نظارت نام و دخالت صحیح پیشه سازید بمقصود خواهید رسید

در پایان مقال خود شمه‌ای از اقدامات نادری نادرشاه را از تاریخ میرزا محمد کلانتر در باب تصرف موقوفات بعرض رسانیده و سخن را ختم می‌کنم  
میرزا محمد کلانتر شیرازی در تاریخی که شرح حال خود را در عصر افغان و انقلابات ایران و ظهور کوکبه نادری شرح میدهد راجع بموقوفات فارس چون خودش باعمویش سمت تولیت داشته‌اند چنین می‌نویسد  
«مقارن اینحال نسخه‌ی تمیزی حومه شیراز در جلال آباد کابل معروض دربار نادری و مشخص شد که موقوفات فارس بضبط مقرر نشده  
این مسئله باعث غضب آن سفاک بیباک گردیده و فرمان داد تا کل موقوفات ضبط و عایدات و سیور غلات هشت ساله مسترد و تقی‌خان حاکم معزول و متولیان بدار آویخته شوند عاقبت پس از تحصن در شاه چراغ جان متولی‌ها محفوظ ماند و موقوفات و عایدات هشت ساله بلکه هستی متولیان ضبط شد» انتهى  
و حید

## خلود روح

ترجمه از جریده سیاست هفتگی

عقیده‌ی عدّه از علماء امریکا

عقاید علماء در باره روح خیلی باهم اختلاف دارد. بعضی اراخلود دانسته و می‌گویند که بعد از فناء جسد باقی خواهد بود. برخی دیگرعکس عقیده فوق را معتقد بوده. و اصلاً بوجود روح قائل نیستند. ازاشخاصیکه شوق ثانی را معتقد است دکت (نشارلس مایو) از مشهورترین علماء امریکاست که اخیراً مقاله در این باب در جرائد امریکا انتشار داده و می‌گوید «علماء تشریح دقیق و اجزاء بدن انسان را شکافته و بجزئیات آن